

# خارج الفقہ

۳۰-۱۱-۱۴۰۳ فقه اکبر ۳

۶۲

(مکتب و نظام سیاسی اسلام)

دراسات الاستاذ:

مهدي الهادي الطهراني

# امنیت سیاسی افراد و مرجع آن در فقه امامیه

- 3) (iii-1-4. محدودیت سوم با عنوان «حفظ نظام»

## امنیت سیاسی افراد و مرجع آن در فقه امامیه

- علاوه بر مواردی که به موجب اقدام بر علیه امنیت حاکم (حاکمیت) اسلامی یا حکومت اسلامی مورد منع قرار گرفته است، برخی موارد دیگر نیز وجود دارند که به دلیل رعایت مصلحت عمومی جامعه و حفظ نظم و امنیت روانی اجتماع، آزادی بیان افراد را محدود می‌سازند که از آن ذیل عنوان «حفظ نظام» یاد می‌شود.

## امنیت سیاسی افراد و مرجع آن در فقه امامیه

- \* این مفهوم که در کتب فقهی با عنوان «قاعده اختلال» از آن یاد شده است، بدین معناست که هر عملی باعث اختلال در زندگی انسان‌ها و سستی معیشت آنها و جامعه‌شان شود، ممنوع است و هر عملی باعث حفظ این نظام شود نیز واجب و لازم می‌باشد (سیفی مازندرانی، ۱۴۲۵، ج ۱، ص ۱۳)؛

## امنیت سیاسی افراد و مرجع آن در فقه امامیه

- بنابراین چنانچه فردی به ابراز عقایدی پردازد که نه مصداق توطئه در جهت براندازی حکومت اسلامی (بغی) و نه مصداق خروج از دین و ارتداد باشد؛ باعث برانگیختن اختلاف‌های اجتماعی و برهم خوردن نظم جامعه و در نتیجه اختلال در معیشت و زندگی روزمره مردم گردد، در چنین مواردی نیز امنیت و آزادی او در ابراز عقیده محدود می‌شود.

## امنیت سیاسی افراد و مرجع آن در فقه امامیه

- در کتب فقهی ملاک‌های خاصی برای تشخیص برهم خوردن نظم اجتماعی یا اختلال نظام بیان نشده است. به تعبیر برخی فقها:

امنیت سیاسی افراد و مرجع آن در فقه امامیه

- تشخیص اینکه جامعه دچار هرج و مرج شده و شرایط اضطراری بر آن حاکم است، نباید صرفاً یک تشخیص فردی یا گروهی خاص باشد، بلکه پیدایش هرج و مرج در جامعه، امری روشن است و تمامی آن جامعه یا اکثریت آن، به آن می‌رسند و احراز آن برای آنها که مکلف اصلی و اولی برای ایجاد نظم هستند، کار مشکلی نیست (منتظری، ۱۴۲۹، ص ۵۵).

## اختلال نظام

- إذ تكليف العوام للاجتهاد في المسائل يقتضى اختلال نظام العالم، و اشتغال كل واحد منهم بالنظر في المسائل عن أمور معاشه.



## اختلال نظام

- أقول: الإنسان مدني بالطبع لا يمكنه أن يعيش وحده، لافتقاره في بقاءه إلى مأكله و ملبسه و مسكنه يتوقى فيه الحر و البرد، و لا يمكن استقلال الإنسان بهذه الأمور فافتقر إلى الاجتماع الذي هو مظنة التنازع، و التنازع يوجب اختلال نظام النوع، فاستدعا كمال نظامه و بقاءه على السداد وجود رئيس يقهرهم على الطاعة و يعدهم عليها الثواب و يزرهم عن المعصية و يتوعدهم عليها بالعقاب فوجب اعتبار الامام.

• وفي حال الغيبة (١) ينفذ قضاء الفقيه من علماء الإمامية الجامع

• قوله: «و في حال الغيبة إلخ».

• دليله، كأنه الإجماع، و الاخبار المتقدمة، الدالة على جعله عليه السلام العالم بالأحكام قاضيا و حكما، و ان خلافه لا يجوز، بل (الراد عليه هو الراد على الله، و هو على حد الشرك بالله) «١» و إن لم يكن سندها معتبرا على ما عرفت، ألا ان مضمونها موافق للعقل، و كلامهم و قواعدهم المقردة.

- و يؤيده، انه لو لم يكن، يلزم اختلال نظام العالم، و به أثبت بعض وجوب النبوة و الإمامة، فتأمل.

## اختلال نظام

• «وَمَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنفِرُوا كَآفَّةً، فَلَوْ لَا نَفَرَ مِن كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ لِّيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَ لِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ»

• قوله (وَمَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ)

• (٣) أى ما استقام لهم أن ينفروا كلهم إلى أهل العلم لطلبه، لأن ذلك يوجب اختلال نظام معاشهم فهلاً نفر من كل فرقة كثيرة كقبيلة و أهل بلدة طائفة قليلة ليتفقهوا فى الدين و لينذروا قومهم من مخالفة الرب إذا رجعوا إليهم لعلهم

شرح الكافي (محمد صالح مازندراني)؛ ج ٥، ص: ٣٢٤

• [۲. نیابت فقهاء در عصر غیبت]

• دویم: آنکه از جمله قطعیات مذهب ما - طائفة امامیه - این است که در این عصر غیبت - علی مغیبه السلام - آنچه از ولایات نوعیه را که عدم رضای شارع مقدس به اهمال آن، حتی در این زمینه هم، معلوم باشد، «وظائف حسبیه» نامیده،

- نیابت فقهای عصر غیبت را در آن قدر متیقن و ثابت دانستیم حتی با عدم ثبوت نیابت عامه در جمیع مناصب؛ و چون عدم رضای شارع مقدس به اختلال نظام و ذهاب بیضه اسلام و بلکه اهمیت وظائف راجعه به حفظ و نظم ممالک اسلامیة از تمام امور حسبیه از اوضح قطعیات است، لهذا ثبوت نیابت فقها و نواب عام عصر غیبت در اقامه وظائف مذکوره از قطعیات مذهب خواهد بود.

- مکارم شیرازی: خریدار و فروشنده، در تعیین نرخ کالا آزادند ولی اگر این آزادی در مواردی سبب فساد و اختلال نظام اقتصادی جامعه اسلامی گردد، حاکم شرع در چنین مواردی می‌تواند تعیین نرخ کند و مردم را به آن ملزم سازد.

• و هذا الأصل و هو حفظ سياسة المدن و نظم البلاد و دفع الفساد عن عوائل البشر مورد [اهتمام] الأنبياء و المرسلين و سائر الحكومات، و لا يمكن أن يتمكن أحد في مرامه، إلا بإظهاره أنه يريد تنفيذ هذا الأصل، و يشتهي بناء هذا المقصد، و كانوا من السلف إلى الخلف يتهم كل الآخر بأنه غير لائق لمثله. و إن الناس لا يعيشون في مأمن صحيح، و لا يستريحون راحة طيبة، فوجود النظم البلدى و المملكتى كوجود النظم الفلكى و الآفاقى متلازمان،



## اختلال نظام

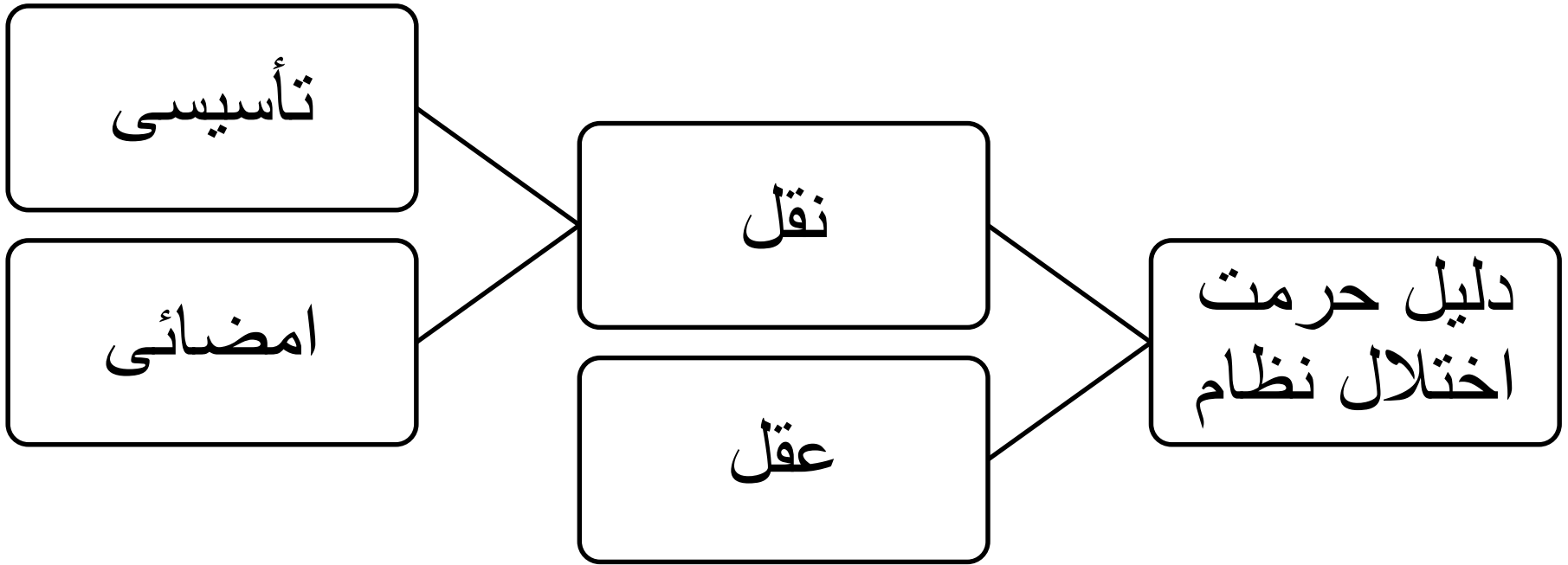
- فكما أنَّ الباري عزَّ اسمه لمصالح نظام الجمع و الكياني، لا يلاحظ القضايا الشخصية و الفردية، و تفنى ُ مصالح الأفراد حذاء مصالح الجماعة، فينزل من السماء ماء، فينبت من الأرض نباتاً حسناً و إن يتضرر به العقار و البناء، فإنه في قبال ذلك ملحق بالأعدام، كذلك في النظام الجزئي البلدي و المملكتي و الأرضي و الاعتباري، يراعى ُ ذلك الأصل، و يلاحظ مصالح المجتمع و تفنى ُ المصالح الفردية للعباد

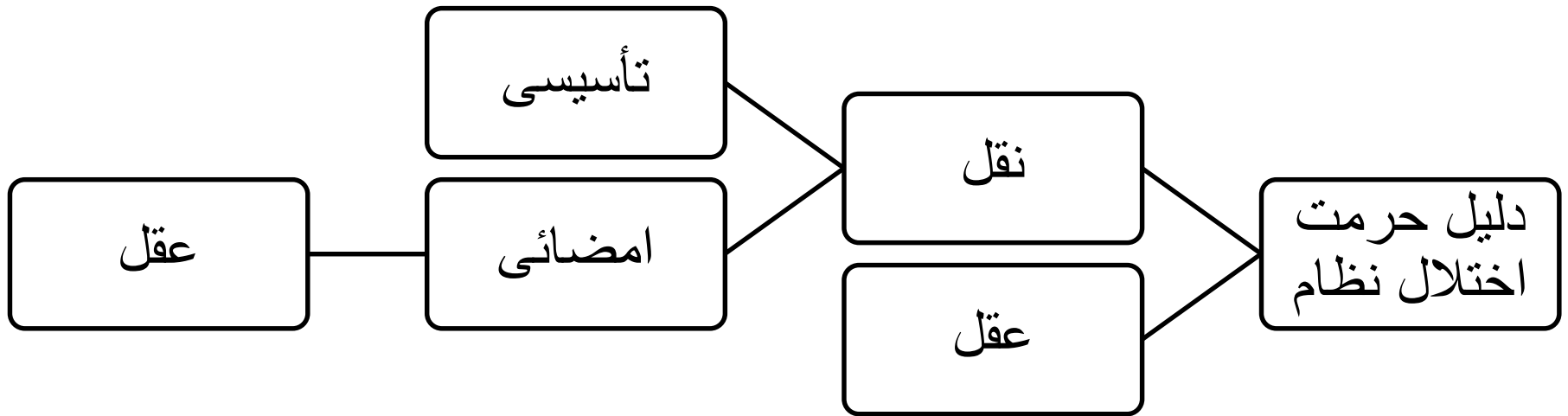
- ، فأمره التكويني و التشريعي على مقياس واحد، و هذا هو المشاهد بالبرهان و الوجدان، و ليس من القياس أو الاستئناس بالاستحسان و الاستذواق، كما لا يخفى على ذي مسكة، فضلاً عن العاقل

نقل

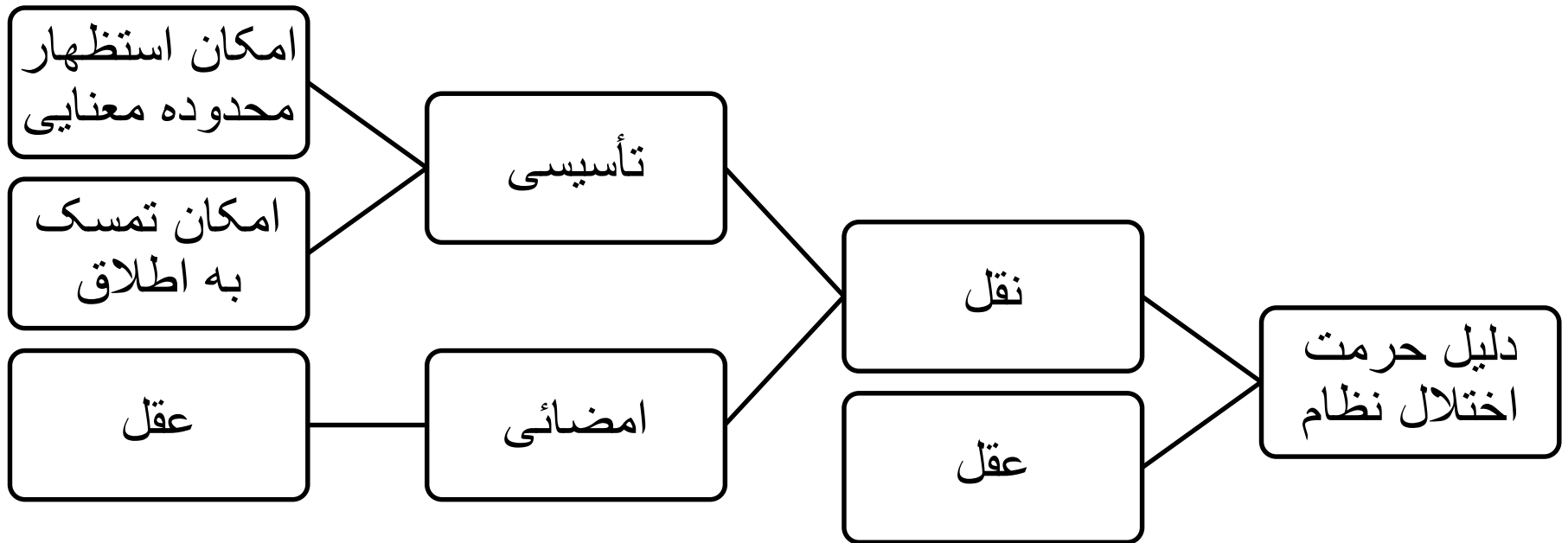
عقل

دليل حرمت  
اختلال نظام

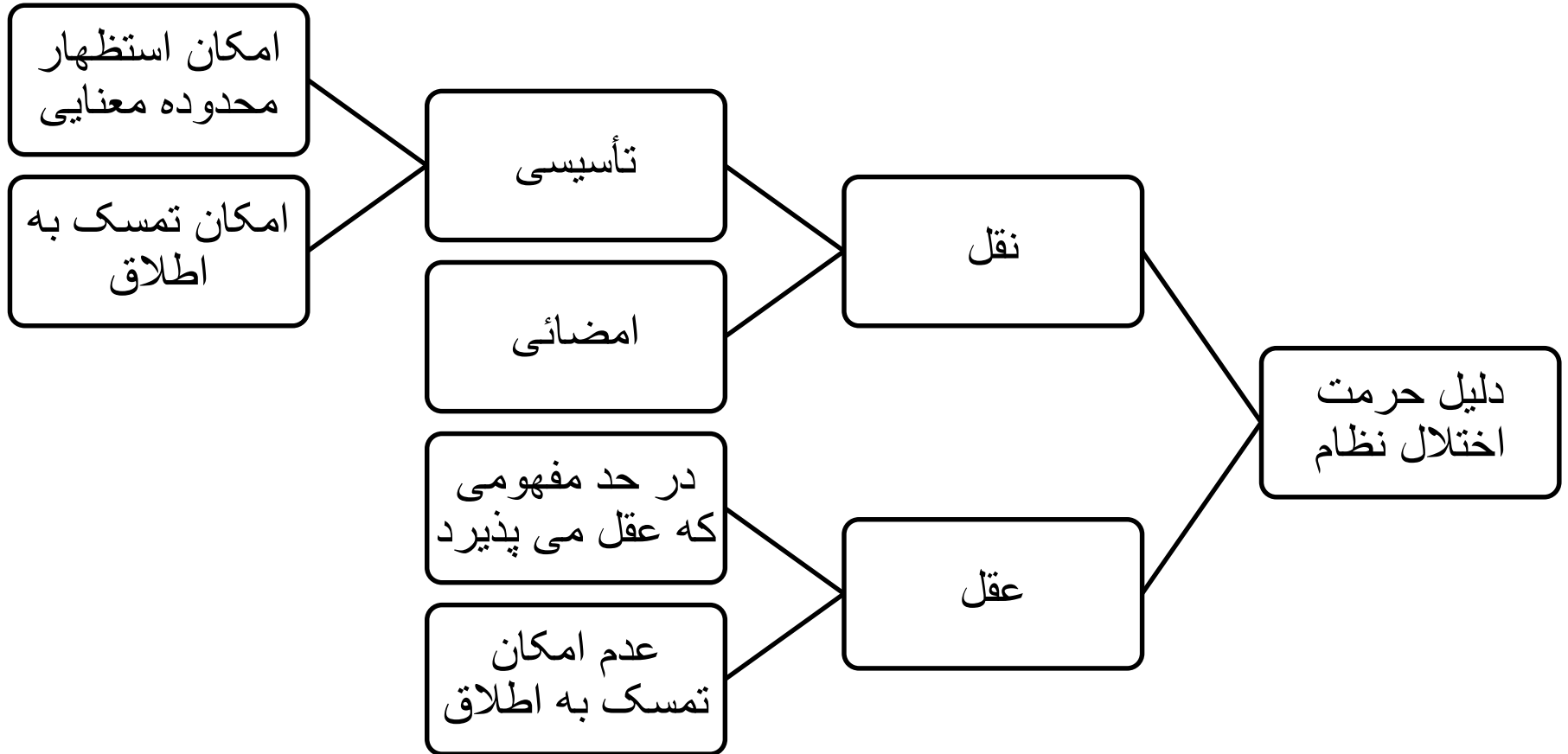




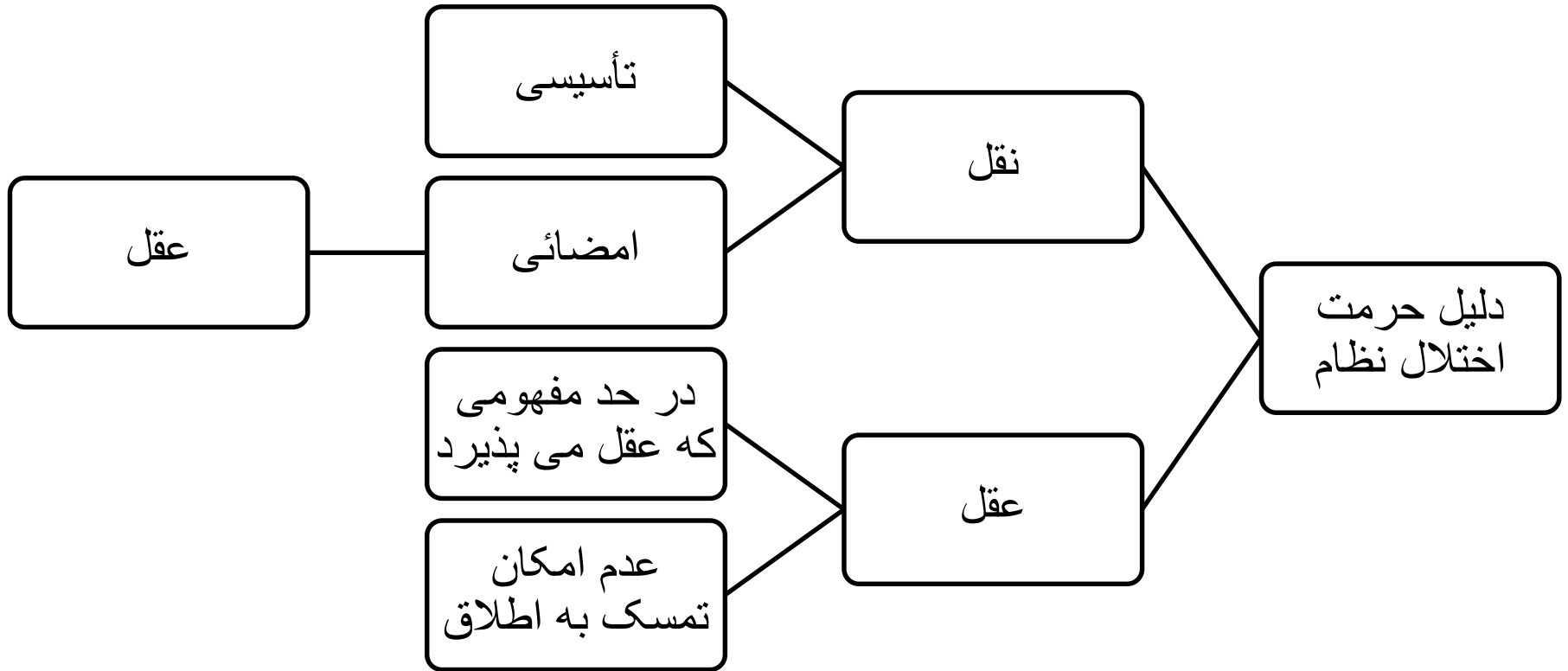
# اختلال نظام



# اختلال نظام

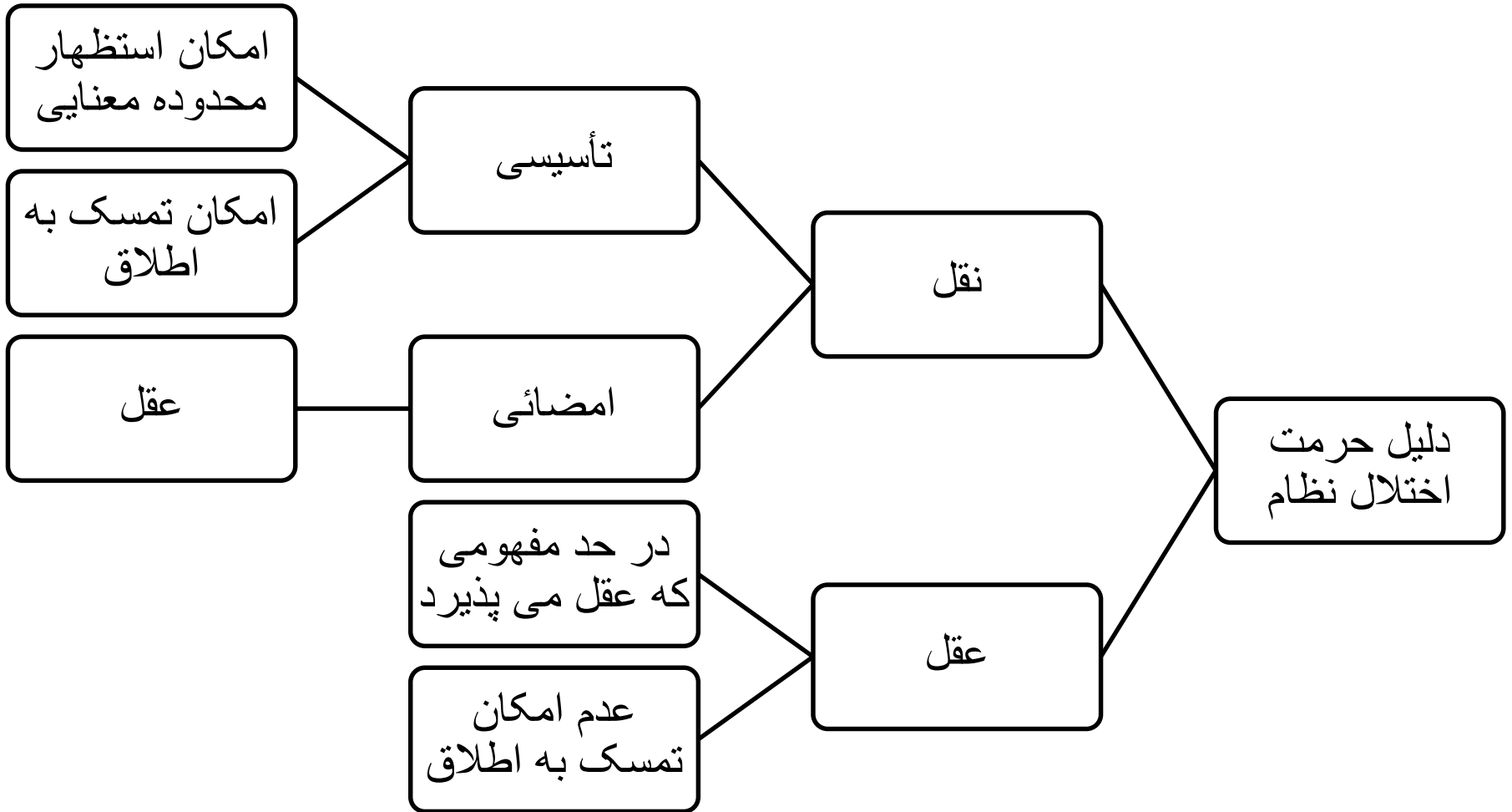


# اختلال نظام





# اختلال نظام



- هیچ دلیل تأسیسی بر حرمت اختلال نظام یافت نمی شود و اگر اشاره ای به آن شده است در حد بیان حکم عقل است